**\*فصل ۱۳\***

**اذا ورد امر بشیءٍ بعد الأمر به قبل امتثاله**

در این فصل کلام در این است که اگر شارع به مطلبی امر کند لکن قبل اینکه مکلَّف آن را امتثال کند بار دیگر به همان مطلب امر کند. در این صورت بحث این است که آیا امر دوم تأکید امر اول است یا تأسیس امری جدید از سوی مولی است؟ که اگر تأکید باشد در واقع مولی یک خواسته بیشتر ندارد و با یک امتثال غرض مولی حاصل می­شود. اما اگر تأسیس باشد باید دو بار عمل را انجام دهد.

**مثال:** شارع ابتدا فرمود: **إن إفطرت فأعتق رقبه** و لکن قبل از اینکه مکلف امر را امتثال کند در بار دوم فرمود: **إن إفطرت فأعتق رقبه**. اکنپن باید دید آیا امر دوم دلالت بر تأکید دارد یا تأسیس؟

**نظر آخوند:**

ایشان می­فرماید اطلاق مادّه امر ایجاب می­کند که امر دوم برای تأکید باشد اما اطلاق هیأت ایجاب می­کند که امر دوم تأسیس باشد. لذا اطلاق ماده و هیأت تعارض می­کنند. راه حل این است که ماده را بر هیأت مقدم کرد . نتیجه این می­شود که امر دو م برای تأکید باشد.

**در بیان آخوند باید دو نکته را بررسی کرد.**

**نکته اول:** باید توجه داشت که مراد آخوند از اطلاق ، اطلاق در مقابل تقیید نیست بلکه مراد ایشان از اطلاق **ظهور عُرفی** است.

**دلیل:** اگر اطلاق ماده بر تأسیس باشد اجتماع مثلین لازم می­آید (اجتماع دو وجوب لازم می­آید) زیرا هر دو امر به یک طبیعت تعلُّق می­گیرد و قیدی هم ندارد حتی قید مرهً اُخری هم ندارد که بتواند متعلَّق ها ار متفاوت کند تا اجتماع مثلین لازم نیاید لذا برای اینکه اجتماع مثلین لازم نیاید باید گفت اطلاق ماده (ظهور ماده) در تأکید دارد . اما مقتضی اطلاق ( ظهور ) هیأت تأسیس است زیرا هیأت کاشف از اراده مولی است و هر هیأتی یک اراده را تشکیل می­دهد و لذا دو اراده می­شود و دو امتثال لازم دارد.

**نکته دوم:** حال که بین این دو اطلاق تعارض شد می­گوییم اگر در هیچ یک از دو امر سبب خاصی ذکر نشده باشد مثل این که دو بار فرمود: **أعتق رقبهً**

 یا هردو امر دارای سبب واحدی باشند مثل اینکه دو بار فرمود: **إن ظاهرت فأعتق رقبهً**

 در این دو صورت ( سبب خاصی در کار نیست یا هر د سبب واحدی دارند ) حق این است که أمر دوم برای تأکید أمر اول است.

**دلیل:** اگر امر دوم را تأکید ندانیم و به ظهور لفظی هیأت امر دوم استناد کنیم و آن را حمل بر تأسیس کنیم باید ماده امر دوم را مقیَّد کنیم به قیدی که آن قید در کلام وجود ندارد. مثلا بگوییم مراد از **إن** **ظاهرت فأعتق رقبهً** در بار دوم مقیّد به مرهً اُخری است یعنی دو بار امتثال کن در حالی تقیید دلیل می­خواهد و ما دلیلی بر تقیید ماده نداریم و عند الشک اصل عدم تقیید است لذا حمل بر تأکید اولی از تأسیس است.

**اشکال استاد:**

به نظر ما باید در باره ظهور هیأت امر تحقیق بیشتر شود ( باید دید آیا واقعاً هیأت دلالت بر تأسیس دارد؟) آنچه در ظهور هیأت افعل است بعث است و بعث چند داعی ایجاد می­کند ( بعث مولی به دواعی مختلف صورت می­گیرد) و آن دواعی ایجاد شده توسط امر عبارت اند از.

**الف:** امتحان **ب:** استهزاء **ج:** تعجیز **د:** تهدید **ه:** تحریک و چند مورد دیگر که در ابتدای باب اوامر به آنها اشاره شد اما در میان این دواعی چیزی به اسم تأسیس وجود ندارد ( هیچ یک از علماء نگفته اند ظهور هیأت إفعل تأسیس است ) لذا ما باید نسبت به ظهور ماده بحث کنیم نه ظهور هیأت( ظهور هیأت فقط ایجاد داعی است)

در باره ظهور ماده دو مبنا وجود دارد.

**مبنای اول:** آخوند می­فرماید ظهور ماده أمر بر تأکید است و ظهور هیأت بر تأسیس. و در مواردی که هیچ یک از دو دلیل سبب خاصی ندارند یا سبب هر دو یکی است اولویّت با اطلاق ماده است. لذا امر دوم حمل بر تأکید می­شود.

**مبنای دوم[[1]](#footnote-1):** آیت الله خوئی در محاضرات و آقا ضیاء در نهایه الافکار می­فرمایند:

در موردی که هیچ یک از دو دلیل سبب خاصی ندارند یا دلیل هردو یکی است اطلاق هیأت مقدم بر اطلاق ماده است. و نتیجه کار تأسیس أمر دوم است.

**دلیل:** در اوامر هیأت أمرعلت وجود ماده است.

**توضیح:** وزن إفعل باعث شده است که ماده حقیقت وجودی پیدا کند زیرا علت وجوب عِتق رقبه و نماز و... أمر آمر است یعنی همین که ماده را در قالب هیأت أفعل برده شود معنی وجوب می­دهد اما اگر ماده را تحت هیأتی غیر هیأت آمر ببریم معنی وجوب نخواهد داشت.

در نتیجه علت تحقُّق ماده هیأت أمر است و از آنجا که مولی در ما نحن فیه دو بار ماده خاصب را در قالب هیأت امر برده است مشخّص می­شود که ماده دو بار باید محقق شود. بنابر این نتیجه تأسیس می­شود .

**اشکال استاد:**

از اشکالی که به کلام آخوند شد بطلان نظر آقا ضیاء و مرحوم نائینی روشن می­شود.

**توضیح:** بیان شد که ظهور هیأت إفعل جعل داعی و انگیزه است و دواعی را هم بیان کردیم و گفته شد که تأسیس در میان این دواعی نیست و لذا هیأت هر گز ایجاد تأسیس نمی­کند و برای اثبات این ادعا باید دلیل اقامه کنید در حالی که دلیلی ندارید و کلام شما صرف ادعا است.

 هیأت إفعل فی حد ذاته ظهوری در تأسیس ندارد و اثبات ظهور هیأت در تأسیس نیازمند به این است که ما قید زائدی را به هیأت نسبت دهیم و انتساب معونه زائده دلیل می­خواهد.

نتیجه اینکه آنچه از ماده أعتق رقبه و هیأت آن استفاده می­شود تأکید است و تأکید به خاطر اینکه آن موضوع و مسأله در نزد شارع مهم است. مانند تکرا بسیاری از آیات الهی در یک موضوع خاص که دلیل بر تأکید موضوع است.

1. ۱-محاضرات جلد ۴ صفحه ۸۰ و نهایه الافکار جلد ۱ ص ۴۰۱ [↑](#footnote-ref-1)